

خیلواکی



استقلال

www.esteqaal.net

یکشنبه ۲۶ اپریل ۲۰۲۶

فریده نوری

هفتم ثور، روز خون چکان کابل

بربادی افغانستان عزیز و ملت بلا کشیده آن

پدر کشتی و تخم کین کاشتی

پدر کشته را کی بود آشتی

آغاز کودتای خونین ثور با کشتن اولین رئیس جمهور کشور و تمام اعضای فامیل مظلوم شان آغاز گردید و چنان وحشیانه همه شان به رگبار بستند که تاریخ افغانستان نظیرش را هرگز ندیده بود. بلی هموطنان جوان، ریختن خون انسان ها توسط آن وحشی صفتان که از دقائق اول کودتای منحوس شان شروع گردید و چهارده سال تمام توسط اعضای این حزب نامردمی و وحشی صفت و باداران روسی شان ادامه پیدا کرد و شیرازه یک کشور آزاده و غیر منسلک را برباد نمودند که تا به الحال دیگر وطن روی خوبی و آرامی را ندید.

شعر با عظمت زنده یاد فریدون مشیری که می فرماید:

"هیچ حیوانی به حیوانی نمی دارد روا

آنچه این نامردمان با جان انسان میکنند"

به حال و احوال این تخم حرام، بخوبی صدق می کرد و می کند هنوز.

در همان هنگام بود که در نزد این ناخلفان:

آدمیت مرد!

گرچه آدم زنده بود.

زخم های خونچکان ای که از دست این نو به دولت رسیدگان بی آزر و بادران جنایت گستر شان بر بدنه کشور و ملت افغان وارد شد، قلم قاصر است بر روی کاغذ آورد. آن جنایت پیشه گان و ددمنشان تاریخ که نه شب را می شناختند و نه روز را و کشتار بدون وقفه جریان داشت که هوا و فضای کشور به بوی خون و باروت آلوده گردیده بود، داستانی دارد که مثنوی هفتاد من کاغذ آنرا بسنده نیست.

زخم هائی که توسط این جنایت کاران بر ملت افغان به وحشیانه ترین نوع آن وارد گردید، زخم ناسور است که هیچوقت التیام پذیر نیست و قریب پنجاه سال بعد هنوز هم از این زخم های ناسور خون می چکد.

کودتای منحوس هفتم ثور توسط یک مشت افراد کودن، بی وجدان، فروخته شده، جاسوس و پست و پلید، تحت پوشش حزب دموکراتیک خلق و به دستور بادران روسی شان بوقوع پیوست، شیرازه هستی یک کشور آزاد و غیر منسلک را چنان از هم پاشید که تا به امروز که قریب نیم قرن از آن می گذرد، از بدنه کشور آزادگان خون می چکد. این کودتاچیان بی آزر و بادر خونخوار شان قسمیکه قبلاً تذکار یافت از همان دقائق نخست کودتا، سیلاب مرگ را در سرزمین زیبای ما جاری ساختند و بدبختی از همان روز ننگین در کشور ما رخنه نمود که مسبب اصلی همه ناملایمات، نابسامانی ها، جنایات و قتل و کشتار و بربادی و آواره گی، اعضای حزب ناکام خلق و پرچم است، هزاران هزار نفرین نثار شان باد.

نباید هیچ فرد افغان این روز شوم را فراموش کند و باید به اعضای باقیمانده این حزب ناکام، مضمحل شده و مایه ننگ انسانیت، فرد فرد ملت افغان، بدون وقفه و در همه حال نفرین بفرستند.

باوجودیکه که سرکرده های خبیثه شان هر کدام به نحوی از انحاء به مرگ خفت باری که سزاوارش بودند، رسیدند و از بین رفتند و در زباله دانی تاریخ فرستاده شدند، لکن باقیمانده های بی حیا و بی شرم شان آنقدر بی وجدان اند که از شرارت دست بردار نیستند و از هر فرصت استفاده نموده و تبلیغات زهر آگین خود را دوام می دهند و در بین ملت افغان به تفرقه اندازی مشغول اند.

اگر این وطن فروشان ذره از آدمیت و انسانیت در خون های مردار شان جریان می داشت، به عوض تبلیغات ناجائز، خود را از زیر یوغ بادر شان کشیده از مردم آزاده افغان معذرت می خواستند، لکن وجدان هیچ فرد این گروه وطنفروش بیدار نشد که نشد، "اگر وجدان می داشتند، حتماً بیدار می شد." پس به این نتیجه می رسیم که وجدان ندارند، هر روز در رسانه های مجازی روی خود و کاغذ را سیاه می

نمایند که هزاران هزار نفرین نثار شان باد." بر آن عده هموطنان ما که با انواع مختلف زمینه را برای شان مساعد ساخته و در جرم و جنایت آنها شریک می شود، نیز."

باید خاطر نشان نمود که جنایت پیشگان و کودتاچیان هفتم ثوری هرگز به این فکر نباشند که ملت افغان این وطن فروشان را فراموش خواهند کرد، تاریخ حافظه قوی دارد.